

امیر مؤمنان علی علیه السلام و نرمش قهرمانانه مبانی، زمینه‌ها، ویژگی‌ها

مهدی سمیعی / کارشناس ارشد علوم و معارف نهج البلاغه دانشگاه قرآن و حدیث safiresadegh1010@gmail.com

مهدی مردانی (گلستانی) / عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث mardani.m@qhu.ac.ir

دریافت: ۹۵/۴/۱۹ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۲

چکیده

«نرمش قهرمانانه» از تعابیری است که تحت تأثیر کاربست مقام معظم رهبری، بسامد فراوانی در ادبیات سیاسی معاصر پیدا کرده است. این مقاله کوشیده است تا به این پرسش محوری پاسخ دهد که آیا می‌توان با بررسی متون دینی و ریشه‌یابی این اصطلاح در سخن و سیره امیرمؤمنان علیه السلام، آن را تعبیری بر پایه مبانی اسلامی قلمداد نمود و برای آن خاستگاه دینی قایل شد؟ یافته‌های این پژوهش که به روش اکتشافی و با تحلیل سیره سیاسی امیرمؤمنان علیه السلام در تعامل با مخالفان به‌ویژه در دوران پنج ساله حکومت به دست آمده است نشان می‌دهد که امیرمؤمنان علیه السلام به مفاد این تعبیر باور داشته و از آن در موقعیت‌های مختلف بهره برده است. چنان‌که پایداری در اصول و مدارای در عمل دو ویژگی مهم نرمش قهرمانانه است که بر پایه دو مبنای عزت‌مداری و ارزش‌مداری استوار گردیده و در بستر اموری همچون عدم همراهی مردم، عدم حمایت نخبگان و دودستگی شکل گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تاکتیک نرمش قهرمانانه، اندیشه امیرمؤمنان علی علیه السلام، سیره اجتماعی امیرمؤمنان علیه السلام، ادبیات سیاسی امام علی علیه السلام.

مقدمه

مفهوم در اسلام و تفسیر آن بر اساس همین مبانی است. بنابراین، این پژوهش در صدد برآمد تا با ریشه‌یابی بی‌طرفانه این مفهوم در سیره امیرمؤمنان علی علیه السلام و کنکاش در مصادیق آن، تفسیر روشنی از مفهوم نرمش قهرمانانه ارائه دهد.

شایان ذکر است علی‌رغم نوپیدا بودن این اصطلاح، تاکنون پژوهش‌های پربرگی راجع به این موضوع به انجام رسیده است که عمدتاً درباره معنا و مفهوم این تعبیر، تبیین و تحلیل سیاسی آن و نیز تشریح دیدگاه مقام معظم رهبری بوده است (شمسینی غیاثوند و دیگران، ۱۳۹۴؛ میرعرب، ۱۳۹۴؛ سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۲). لکن درباره تبیین دینی این اصطلاح، مقالات معدودی به رشته تحریر درآمده است (عبداللهی، ۱۳۹۲؛ پاک‌نیا، ۱۳۹۲) که با این همه، نسبت به مسئله این پژوهش و واکاوی خاستگاه این تعبیر در سیره و اندیشه امیرمؤمنان علیه السلام فاقد پیشینه‌ای روشن است.

۱. نرمش قهرمانانه از منظر رهبری

در راستای بررسی مفهوم نرمش قهرمانانه، بجاست ابتدا به تبیین و تشریح این تعبیر از منظر مقام معظم رهبری بپردازیم و پس از آن، این اصطلاح را از منظر امیرمؤمنان علی علیه السلام بررسی و واکاوی نماییم.

«نرمش قهرمانانه» تعبیری است که مقام معظم رهبری نخستین بار در سال ۱۳۷۵، در جمع برخی از سفیران جمهوری اسلامی، به ادبیات سیاسی انقلاب وارد نمود. ازاین‌رو، با مطالعه بیانات مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر، به‌ویژه سال ۱۳۷۵، می‌توان به برخی از وجوه این مفهوم دست پیدا کرد و تعریفی از آن ارائه داد. با توجه به بیانات رهبری، محورهای اصلی این مفهوم از قرار ذیل است:

«نرمش قهرمانانه» تعبیری است که توسط مقام معظم رهبری وارد ادبیات سیاسی کشور گردید و مدتی نیز صاحب‌نظران را به بحث پیرامون جوانب آن واداشت. ازاین‌رو، شایسته است که پس از مشخص نمودن ابعاد معنایی این تعبیر، مبانی، اصول و مقومات این اصطلاح از میان منابع اسلامی کشف گردد تا معلوم شود آیا این مفهوم از پشتوانه‌ای اصیل در متون دینی برخوردار است یا خیر؟ به بیان دیگر، آنچه که در گستره مفهوم‌شناسی این تعبیر مدنظر است، آن است که آیا نرمش قهرمانانه اصطلاحی برون‌دینی است و یا آنکه تعبیری برآمده از فرهنگ غنی اسلامی است؟ بر این اساس، پس از تحلیل مؤلفه‌های اصلی این تعبیر در اندیشه مقام معظم رهبری، تبیین دینی از این مفهوم با تکیه بر سخن و سیره امیرمؤمنان علیه السلام ارائه می‌گردد و سپس با توجه به دیدگاه حکومتی و اجتماعی امیرمؤمنان علیه السلام، مبانی، ویژگی‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری این مفهوم تشریح می‌شود.

نرمش قهرمانانه، تساهل و تسامحی حداقلی و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی در روش‌هاست که با مخالفان در عرصه سیاست داخلی و خارجی، در راستای دستیابی، حفظ و تثبیت اصول و ارزش‌ها به کار گرفته می‌شود. اما آنچه پرداخت به این موضوع را ضروری می‌نماید، به روی کار آمدن جریانی است که قایل به تعامل با دنیاست و بعضی از سیاست‌های خارجی و حتی سیاست‌های داخلی خود را بر محور این موضوع استوار نموده است. طبیعی است که در چنین فضایی، تفاسیر مختلفی از بیانات رهبر معظم انقلاب ارائه شده و هر جناح و گروهی آن را با بنیان‌های فکری خویش تفسیر می‌نماید. اما آنچه می‌تواند در این موقعیت ما را یاری نماید، نگاه واقع‌بینانه به این موضوع و یافتن مبانی این

۱-۱. نرمش قهرمانانه؛ مفهومی تاکتیکی

نرمش قهرمانانه در اندیشه مقام معظم رهبری مفهومی راهبردی نیست؛ بلکه ناظر بر روش‌ها بوده و جنبه تاکتیکی دارد. تاکتیک یا راهکنش عبارت است از: شیوه‌های عملی اجرای یک برنامه سیاسی که ممکن است در ظاهر با اصل طرح هماهنگ نباشد (معین، ۱۳۶۳).

تاکتیک در گذشته همانند استراتژی یک مفهوم نظامی داشت و در این معنا، به مفهوم کاربرد سلاح‌ها در جنگ بود؛ اما معنای تاکتیک مانند استراتژی تغییر یافته است. امروزه تاکتیک به روش‌هایی گفته می‌شود که به وسیله آن، استراتژی به اجرا درمی‌آید تا به هدف‌های موردنظر برسد. بنابراین، تاکتیک، جزئی از استراتژی و در خدمت آن است. علاوه بر این، استراتژی یک هدف کلی است که در درازمدت قابل دسترسی است؛ درحالی‌که تاکتیک در کوتاه‌مدت تحقق می‌یابد (صلح‌جو، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

مقام معظم رهبری با اشاره به نام‌گذاری نرمش قهرمانانه، این مفهوم را در راستای حفظ و وصول به اصول دانسته و تخطی از اصول را در اجرای این تاکتیک مجاز نمی‌داند (در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۹۳/۶/۲۶). در این رابطه، برداشت اشتباه عده‌ای از معنای نرمش قهرمانانه را تخطئه نموده و دست برداشتن از اصول و آرمان‌ها را به‌طور کامل از حوزه این مفهوم خارج نمودند و نرمش قهرمانانه را مانوری هنرمندانه برای وصول به مقصود دانستند (در دیدار فرماندهان بسیج، ۱۳۹۲/۸/۲۹). در همین زمینه، ایشان پایبندی و رعایت اصول را از لوازم اجرایی این مفهوم و به عبارت دیگر، شرط اجرای این مفهوم دانسته و حفظ خطوط قرمز و حرکت در مسیر راهبردهای اساسی نظام را از لوازم اجرای این تاکتیک ذکر می‌کنند (در دیدار رئیس و اعضای مجلس

خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴). ایشان همچنین پایداری بر اصول در عرصه سیاسی را نه امری قبیح، بلکه امری لازم برشمرده و یکی از ویژگی‌های امام راحل در کنار بصیرت سیاسی را پایداری و ایستادگی ایشان می‌دانند و همین ایستادگی را عامل نفرت جهان غرب از امام عنوان می‌دارند (در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

۱-۲. مجاری نرمش قهرمانانه

مقام معظم رهبری استفاده از تاکتیک نرمش قهرمانانه را تنها مربوط به سیاست خارجی ندانسته و توسل به این تاکتیک را در سیاست داخلی نیز جاری می‌دانند و بر این باورند که نرمش قهرمانانه هم در سیاست و دیپلماسی خارجی کارایی دارد و هم در سیاست‌های داخلی قابل اجراست (در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

۱-۳. کارکرد نرمش قهرمانانه

نکته دیگری که از بیانات رهبری پیرامون این تاکتیک می‌توان دریافت، کارکرد این راهکنش است که به عقیده معظم‌له توسل به تاکتیک باید در راستای دستیابی به اصول و آرمان‌ها باشد؛ باید همواره نقش ابزاری آن حفظ گردیده و به عنوان هدف تعیین نشود. همچنین هدف از پیش تعیین شده را لازمه هر حرکت در میدان رزم می‌دانند (در دیدار فرماندهان بسیج، ۱۳۹۲/۶/۲۶). ایشان در بیانی، با اشاره به مفهوم تاکتیکی نرمش قهرمانانه، می‌فرماید: «اما این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی می‌گیرد و یک جاهایی به دلیل فنی، نرمشی نشان می‌دهد، فراموش نکند که طرفش کیست! فراموش نکند که مشغول چه کاری است! این شرط اصلی است» (در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

۱-۴. قبض و بسط مفهوم نرمش قهرمانانه

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری در این موضوع، می‌توان مفهوم نرمش قهرمانانه را در عین ضیق، مفهومی فراگیر دانست؛ زیرا در حالی که ایشان برداشت مفهوم صلح را از سخنان خویش، پیرامون نرمش قهرمانانه، در فضای سیاسی کشور تلقی نادرستی خواندند و نسبت به این برداشت، واکنش نشان دادند، اما در سخنانی، صلح امام حسن علیه السلام را یکی از پرشکوه‌ترین مصادیق نرمش قهرمانانه می‌دانند. بنابراین، می‌توان مفهوم نرمش قهرمانانه را مفهومی تابع مقتضیات زمانی و مکانی و شرایط حکومت اسلامی دانست که در مواقع مختلف، به حالات مختلف نمایش داده می‌شود.

بنابراین، با توجه به آنچه بیان شد، نرمش قهرمانانه از منظر مقام معظم رهبری را می‌توان چنین تعریف نمود: تساهل و تسامحی حداقلی و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی در روش‌ها با مخالفان در عرصه سیاست داخلی و خارجی، در راستای دستیابی، حفظ و تثبیت اصول و ارزش‌ها.

۲. نرمش قهرمانانه از منظر امیرمؤمنان علی علیه السلام

اکنون که به تعریف روشنی از مفهوم نرمش قهرمانانه از منظر مقام معظم رهبری دست یافتیم، برای دستیابی به صحت و سقم این تعریف و مستندسازی آن، باید ابتدا به واکاوی ابعاد اصلی این مفهوم از منظر امیرمؤمنان علیه السلام بپردازیم و سپس با جمع یافته‌ها و مصادیق به دست آمده، به اثبات چنین مفهومی در سیره امیرمؤمنان علیه السلام راه یابیم. لکن پیش از هر چیز، لازم است مبانی و بنیان‌های نظری این اصطلاح را در اندیشه امیرمؤمنان مورد بررسی قرار دهیم.

۲-۱. مبانی نرمش قهرمانانه

واژه «مبنا» به معنای بنیاد و عمارت (معین، ۱۳۶۳) است

که در این مقاله مقصود، آن دسته از مفاهیمی است که نرمش قهرمانانه بر آنان استوار بوده و حذف آنها، موجب تغییر جوهری در این مفهوم خواهد شد. با بررسی سخن و سیره عملی امیرمؤمنان علیه السلام، به‌ویژه دوره حکومت پنج ساله، می‌توان مبانی و زیرساخت‌های نظری این مفهوم را در دو عنوان خلاصه نمود:

۱-۱-۲) **عزت‌مداری:** یکی از مسائلی که با عنایت در سیره امیرمؤمنان علیه السلام به دست می‌آید، دغدغه ایشان در حفظ عزت اسلام و جامعه اسلامی است. حتی در نرمشی که ایشان در ماجرای فتنه سقیفه از خود نشان می‌دهند، عزت‌مندی به وضوح قابل مشاهده است؛ چراکه پس از انتشار خبر بیعت مردم در سقیفه، تنها علی علیه السلام و عده محدودی از اصحاب نامور ایشان از بیعت با خلیفه اول امتناع ورزیدند و حتی از پذیرش بیعت ابوسفیان سر باز زدند (یعقوبی، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۵۲۳-۵۲۷). بنابراین، امام علیه السلام تنها پس از گذشت مدت زمان قابل توجهی و با اختیاری که برآمده از نرمشی همراه با عزت‌مندی بود، با خلیفه وقت بیعت نمودند.

عزت‌مداری در اندیشه امیرمؤمنان علیه السلام چنان پایگاه برجسته‌ای دارد که حتی سکوت ۲۵ ساله خود را که بر اساس مصالح جامعه اسلامی وقت و در راستای حفظ بنای تازه‌ساز اسلام انجام گرفت، عزت‌مندان پیش بردند و در ماه‌های اول، با بیعت نکردن، صدای اعتراض و تسلیم‌ناپذیری خویش را به گوش جهان اسلام رساندند. بنابراین، امیرمؤمنان علیه السلام در سخت‌ترین و مظلومانه‌ترین دوران عمر خویش نیز عزت‌مندی و عزت‌مداری را رها نکرده و نرمشی را که دایرمدار عزت نبوده است انجام ندادند.

۲-۱-۲) **ارزش‌مداری:** یکی دیگر از مبانی و بنیان‌هایی که نرمش‌های قهرمانانه امام علی علیه السلام بر آن استوار است و

وصول به اهداف اصلی ایشان بود. چنانکه واضح است، پیشبرد بسیاری از روش‌ها در نظام اسلامی نیازمند حمایت و درک عمومی است و چنانچه با عدم اقبال عامه مردم مواجه گردد، با شکست روبه‌رو خواهد شد. برای نمونه، تشکیل حکومت اسلامی یکی از بارزترین اهداف رهبران دینی است که در صورت عدم همراهی مردم، این امر یا غیرممکن است و یا در صورت شکل‌گیری، نتیجه لازم را نخواهد داد. امیرمؤمنان علیه السلام نیز پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به دلیل عدم حمایت و همراهی مردم با ایشان، از به دست گرفتن زمام امور مسلمانان سر باز زدند و از اقامه حق خویش منصرف گشتند:

ردای خلافت را رها ساختم، و دامن خود را از آن دریچیدم (و کنار رفتم)؛ درحالی‌که در این اندیشه فرو رفته بودم که آیا با دست تنها [بدون یاور] بپا خیزم [و حق خود و مردم را بگیرم] یا در این محیط پرخفقان و ظلمتی که پدید آورده‌اند صبر کنم؛... [عاقبت] دیدم بردباری و صبر، به عقل و خرد نزدیک‌تر است، لذا شکیبایی ورزیدم؛ ولی به کسی می‌ماندم که خار در چشم و استخوان در گلو دارد. با چشم خود می‌دیدم که میراثم را به غارت می‌برند (نهج البلاغه، ۱۳۵۹ق، خ ۳).

از همین رو، ایشان حجت خویش برای به‌دست‌گیری مجدد حکومت را حضور مردم دانسته و درباره علت پذیرش حکومت فرمودند:

اگر گروهی برای یاری من آماده نبود و حجت خداوندی با وجود یاوران، بر من تمام نمی‌گشت و پیمان الهی با دانایان درباره عدم تحمل پرخوری ستمکار و گرسنگی ستمدیده نبود، مهار این زمامداری را به دوشش می‌انداختم و انجام آن را مانند آغازش با پیاله بی‌اعتنایی سیراب می‌کردم. در

می‌توان گفت که نبودن این عنصر در یک نرمش می‌تواند به‌راحتی آن را از دایره مفهومی نرمش قهرمانانه خارج نموده و آن را ذیل مفهوم تقیه و عناوین مشابه وارد کند، ارزش‌مداری و حفظ اصول است. با بررسی برخوردهای مداراگونه حضرت علی علیه السلام، به‌راحتی می‌توان عنصر ارزش‌مداری را مشاهده کرد. برای مثال، در آشوب صفین و تحت فشار جماعتی از سپاهیان، ماجرای حکمیت را می‌پذیرد؛ اما پس از آنکه همان جماعت ایشان را وادار به اقرار به گناه می‌کنند، با صراحت و محکم، از اقرار به گناه سر باز می‌زند و تفکر نشئت‌گرفته از آیه **﴿إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ﴾** (انعام: ۵۷) را تفکری انحرافی عنوان نموده و از پذیرش آن امتناع می‌ورزد (منقری، ۱۳۶۴، ص ۵۱۴).

۲-۲. زمینه‌های نرمش قهرمانانه

مقصود از زمینه‌های نرمش قهرمانانه، بسترها و شرایطی است که در آن، والی اسلامی با اتخاذ این تاکتیک و عدول از روش‌های پیشین خود، اقدام به پیشبرد اهداف اسلامی در حوزه‌های مختلف داخلی و خارجی می‌نماید. به منظور مفهوم‌شناسی نرمش قهرمانانه، شایسته است تا با کاوش در سیره امیرمؤمنان علی علیه السلام، مواضع و شرایطی را که امام علیه السلام با اتخاذ تاکتیک نرمش قهرمانانه به مدیریت بحران و حراست از ارزش‌ها پرداخته‌اند به اختصار تبیین کنیم. با تأمل در سیره امیرمؤمنان علیه السلام، می‌توان شرایطی را که امام علیه السلام در آن با اعمال نرمش قهرمانانه، سعی در حراست از ارزش‌ها داشته‌اند به سه دسته کلی تقسیم نمود:

۲-۲-۱) **عدم اقبال و همراهی مردم:** با بررسی برخی از مصادیق نرمش قهرمانانه در سیره امیرمؤمنان علیه السلام می‌توان دریافت که یکی از عوامل مؤثری که حضرت را در شرایط مختلف ناچار به اتخاذ این تاکتیک نمود، عدم اقبال عمومی مردم از روش‌های موردنظر امام در راستای

چشم پوشیدم و شربت تلخ شکیبایی نوشیدم» (نهج البلاغه، ۱۳۵۹ق، خ ۲۶).

۲-۲-۳) **عدم حمایت نخبگان و خواص:** یکی دیگر از زمینه‌هایی که در موضع‌گیری‌های همسو با نرمش قهرمانانه، مؤثر بوده است، عدم حمایت خواص از دعوت و حرکت رهبر است. خواص هر جامعه نقش محرک آن جامعه را ایفا می‌کنند. آنان با رسوخ شبهه، سستی، دنیاپرستی و دیگر عللی که ایشان را از حمایت مسیر حق بازمی‌دارد، افراد جامعه را با خود همراه می‌نمایند؛ چراکه جامعه با پیروی از آنان، دست از حمایت حق کشیده و به حمایت از باطل و یا - در بهترین شرایط - به سکوت در برابر آن روی خواهد آورد. یکی از شرایطی که منجر به کناره‌گیری و انزوای ۲۵ ساله امیرمؤمنان علیه السلام از مهم‌ترین عرصه فعالیت سیاسی اجتماعی زمان - یعنی رهبری حکومت اسلامی - گردید، عدم حمایت و پیروی خواص جامعه اسلامی از ایشان بود. ایشان با اشاره به این مطلب و در پاسخ به این سؤال که چرا آنچنان که با طلحه، زبیر و معاویه به مبارزه برخاست، با ابوبکر و عمر نجنبید، فرمودند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله با من عهد کرد "اگر یاور یافتی، به سوی آنان بشتاب و با آنان بجنگ؛ ولی اگر یاور نیافتی، دست بکش و خون خود را حفظ کن تا مظلومانه به من ملحق شوی"؛ قسم به آن که محمد صلی الله علیه و آله را به حق مبعوث کرد، اگر آن روز که با خویشاوندان تیم بیعت شد، چهل نفر یاور داشتم، در راه خدا با آنان می‌جنگیدم» (مجلسی، ۱۳۶۲ق، ج ۲۹، ص ۴۱۷-۴۲۰).

۲-۲-۳) **پیدایش تفرقه و دودستگی:** یکی دیگر از زمینه‌های بهره‌برداری از ابزار نرمش قهرمانانه را می‌توان جلوگیری از ایجاد رخنه در میان مسلمانان و دودستگی در میان آنان دانست. این نکته دقیقاً یکی از بسترهای اصلی نرمش‌های امام علیه السلام در برابر خوارج است. ایجاد شکاف و تفرقه در میان عوام و یا خواص، در نهایت منجر به بهره‌برداری عناصر فرصت‌طلب در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی می‌گردد. برای نمونه، در جریان اختلافی که در بستر جنگ صفین رخ داد، گروهی از صحابه امام علیه السلام از روی کج‌فهمی و سوءبرداشت، از صحنه سیاسی - اجتماعی کناره‌گیری کردند و حتی از پایبندی به بیعت با امیرمؤمنان علیه السلام سرباز زدند و به نشانه اعتراض از حوادث جاری جامعه اسلامی کناره‌کشیدند. این حرکت انحرافی موجب شد تا روزه‌های شک و تردید در میان توده مردم ایجاد گردد و به مخالفت‌ها و شورش‌هایی ضد حکومت اسلامی بینجامد (عیسی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۲۰)؛ از این رو، شاهد نرمش‌های فراوان حضرت با گروه خوارج هستیم. ایجاد دودلی و دودستگی در میان مسلمانان، و شکل‌گیری گروهک نوظهوری به نام «خوارج»، امیرمؤمنان علیه السلام را واداشت تا در راستای سیاست هدایت و جذب حداکثری به نرمش با این گروه منحرف روی آورده و با این استراتژی، به هدایت بسیاری از آنان نائل گردد.

۲-۳. ویژگی‌های نرمش قهرمانانه

مراد از ویژگی نرمش قهرمانانه، معرّف یا نشانه‌ای است که اندازه کمیت معینی را مشخص می‌نماید. به بیان دیگر، ویژگی، خصوصیت ممتازی است که موجب تمیز یک مفهوم از دیگر مفاهیم مشابه گردد. از این رو، برای تبیین

ایشان همچنین در خطبه‌ای به این واقعیت تلخ اشاره کرده و فرمودند: «نگریستم و دیدم مرا یاری نیست، و جز کسانم مددکاری نیست. دریغ آمدم که آنان دست به یاری‌ام گشایند، مبادا که به کام من درآیند. ناچار خار غم در دیده شکسته، نفس در سینه و گلو بسته، از حق خود

از تصمیم حضرت علی علیه السلام آگاه شد، به خانه ایشان رفت و با وی محرمانه به گفت‌وگو پرداخت و چنین عنوان کرد که مصلحت در این است که فرمانداران عثمان را یک سال در مقام خود ابقا کنی، سپس هنگامی که از مردم برای تو بیعت گرفتند و فرمانروایی تو بر قلمرو اسلامی مسلم گردید، آن‌گاه هر کس را خواستی عزل کن و هر کس را خواستی بر مقام خود باقی بگذار. اما امام علیه السلام در پاسخ او گفت: «به خدا سوگند، من در دینم مداخله نمی‌کنم و امور مملکت را به دست افراد پست نمی‌سپارم.» مغیره گفت: اکنون که سخن مرا درباره تمام فرمانداران عثمان نمی‌پذیری، لاقلاً با معاویه مدارا کن تا وی از مردم شام برای تو بیعت بگیرد و سپس، با فراغ بال و اطمینان خاطر، معاویه را از مقامش عزل کن. امام علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، دو روز هم اجازه نمی‌دهم که معاویه بر جان و مال مردم مسلط باشد.»

مغیره با آنکه از تأثیرپذیری علی علیه السلام مأیوس گردید و خانه آن حضرت را ترک گفت، فردا بار دیگر به خانه امام آمد و نظر او را مبنی بر عزل معاویه تصویب کرد و گفت: شایسته مقام تو نیست که در زندگی از در خدعه و حيله وارد شوی؛ هرچه زودتر معاویه را نیز از کار برکنار کن. ابن عباس می‌گوید: من به علی گفتم که اگر مغیره تثبیت معاویه را پیشنهاد کرد، هدفی جز خیرخواهی و صلاح‌اندیشی نداشت، ولی در پیشنهاد دوم خود، هدفی برخلاف آن دارد. به نظر من، صلاح در این است که معاویه را از کار برکنار کنی و آن‌گاه که با تو بیعت کرد و از مردم شام برای تو بیعت گرفت، بر من که او را از شام بیرون کنم؛ ولی امام علیه السلام این پیشنهاد را نیز نپذیرفت (طبری، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۶۰).

۱-۲-۲) ممانعت از تقسیم مالیات: پایداری امیرمؤمنان و ایستادگی ایشان بر اصول، آنچنان بود که گاهی به طبع

دقیق مفهوم نرمش قهرمانانه، شایسته است تا با تکیه بر اندیشه امیرمؤمنان علیه السلام به بیان ویژگی‌های این اصطلاح پردازیم. ۱-۳-۱) پایداری در اصول: یکی از ابعاد مهم مفهوم نرمش قهرمانانه، پایداری در اصول است که در واقع، در راستای تمییز میان مفهوم نرمش قهرمانانه و تساهل و تسامح در اصول محسوب می‌گردد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در جای جای زندگی خود، بر پابندی و پایداری در رعایت اصول تأکید داشته‌اند؛ چنان‌که گاه با ملاحظه بخشی از سیره و سخنان ایشان، تصور می‌شود که هرگونه تساهل و تسامحی از منظر ایشان مردود بوده است. ایشان در سخنی، پابندی خویش به اصول اخلاقی را چنین توصیف می‌نمایند: «به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم و آنچه زیر افلاک است، به من دهند تا نافرمانی خدا را کنم و پر گاهی را از مورچه‌ای بربایم، هرگز نخواهم کرد» (نهج‌البلاغه، ۱۳۵۹ق، خ ۲۲۴).

در ذیل، به نمونه‌هایی از قاطعیت امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه، اشاره می‌شود:

۱-۳-۱-۱) عزل کارگزاران عثمان: مهم‌ترین تصمیم سیاسی امام در آغاز خلافت، عزل فرمانداران خلیفه پیشین و در رأس آنان معاویه بود. علی علیه السلام از روز نخست پذیرش خلافت، تصمیم داشت همه فرمانداران زمان عثمان را که بیت‌المال را بر اساس مقاصد شخصی خود مصرف می‌کردند و آن را به خود و فرزندانشان اختصاص می‌دادند و حکومتی همانند حکومت کسرا و قیصر برای خود بپا کرده بودند از کار برکنار سازد. این پایداری به حدی بود که وقتی برخی از سیاست‌مداران وقت، مصلحت را در ابقای موقتی معاویه و برخی از والیان عثمان می‌دانستند، امام علیه السلام در برابر درخواست آنان ایستاد و از پذیرش پیشنهاد آنان سر باز زد. چنان‌که وقتی مغیره بن شعبه - یکی از سیاست‌مداران چهارگانه عرب -

می‌شمرد و مراعات و حفظ آنان را بر خود واجب می‌دانست، که حتی به دلیل همین پابندی، برخی از یاران وی نیز از اطرافش پراکنده شدند؛ اما امام علیه السلام حاضر به تسامح در اصول و ارزش‌های دینی نشد.

برای نمونه، نجاشی از شاعران سپاه علی علیه السلام به‌شمار می‌آمد که در صفین، به امام علی علیه السلام و سپاه کوفه خدمات فراوانی کرد. وی با سرودن اشعار مهیج و حساب‌شده، موجب تقویت روحیه سپاه در میدان نبرد می‌شد؛ وقتی یکی از یاران حضرت در میدان جنگ افتخاری می‌آفرید، نجاشی با اشعار خویش از او مدح می‌کرد؛ وقتی یکی از دوستان حضرت به شهادت می‌رسید، او با سرودن شعری در رثای آن شهید، به علی علیه السلام و دوستانش تسلیت می‌گفت (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۴۸، ۳۸، ۳۷ و ۵۵). به علاوه، شکست‌های شامیان را به باد مسخره می‌گرفت و با سرودن اشعار هجوآمیز، آنان را تحقیر می‌کرد (همان، ص ۱۹ و ۴۰). تحقیرهای او برای بزرگان سپاه شام بسیار تلخ بود؛ از این‌رو، معاویه در اولین ملاقاتش با نجاشی، وی را به خاطر اشعار هجوش در صفین سرزنش کرد (ثقفی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۸).

چنین شخصی با آن سوابق درخشان، پس از جنگ صفین، در روز اول ماه مبارک رمضان با یکی از دوستانش در کوفه شرب خمر کرد؛ چیزی نگذشت که صدای فریاد مستانه آنها به گوش همسایگان رسید. یکی از همسایگان موضوع را به امام علی علیه السلام اطلاع داد. ایشان عده‌ای را فرستادند و او را دستگیر نمودند. برخی از دوستان نجاشی و اهالی کوفه توقع داشتند حضرت از اجرای حدّ او صرف‌نظر کرده و در مجازاتش تسامح به خرج دهد؛ ولی حضرت با وجود اینکه در آن ایام به ظاهر، نیازمند حمایت مردمی بود، به توقع بی‌جای آنان اعتنایی نکرد و نجاشی را بدون عبا و قبا، در ملأعام صد ضربه شلاق زد و

مسلمانان خوش نمی‌آمد و آنان از علی علیه السلام و سخت‌گیری‌اش به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شکایت می‌کردند. برای نمونه، علی علیه السلام در سال دهم هجری برای جمع‌آوری مالیات مسیحیان نجران، به منطقه نجران سفر کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از سفر علی علیه السلام، برای انجام مراسم حج، مدینه را به سوی مکه ترک گفت. علی علیه السلام بعد از جمع‌آوری اموال نجران، برای پیوستن به رسول خدا صلی الله علیه و آله، مستقیماً از نجران به سوی مکه حرکت کرد. در میان راه، اموال را به نیروهایش سپرد و به خاطر حاجتی، زودتر خود را به پیامبر رساند و پس از گفت‌وگو با آن حضرت، به طرف نیروهایش رهسپار شد. اما وقتی به نیروهایش ملحق گردید، دید آنها پارچه‌های جمع‌آوری شده از نجرانی‌ها را بین خود تقسیم کرده و هر کدام یکی از آنها را به عنوان لباس احرام پوشیده‌اند! حضرت به شدت از این موضوع خشمگین شد؛ جانشین خویش را که هنگام رفتن به سرپرستی آنها گمارده بود، توبیخ و سرزنش کرد و دستور داد تمام پارچه‌ها را از تن درآورند. این برخورد امام موجب خشم و غضب نیروهای تحت فرمانش گردید. از این‌رو، وقتی وارد مکه شدند، زبان به شکوه و شکایت از آن حضرت گشودند؛ اندک اندک شکایت و عیب‌جویی از آن حضرت بالا گرفت و کار به جایی رسید که کاسه صبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله لبریز شد. ایشان که معمولاً به اقتضای مقام رهبری در درگیری‌های میان اصحاب دخالت نمی‌کرد، آشکارا از علی علیه السلام و اقدامش حمایت نمود؛ به منادی‌اش دستور داد در میان مردم بگوید: «از بدگویی علی دست بردارید که او در اجرای دستور خدا، بی‌پروا و سخت‌گیر است و نسبت به دین خدا، اهل سازش و مدهانه نیست» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۷۳).

۱-۳-۲) قاطعیت در اجرای حدود الهی: امیر مؤمنان علیه السلام چنان اصول و ارزش‌های نظام اسلامی را مقدس

را مهم می‌نماید، از خدا یاری جوی، و درشتی را به اندک نرمی بیامیز، و آنجا که مهربانی باید، راه مهربانی پوی، و جایی که جز درشتی به کار نیاید، درشتی پیش گیر» (شهیدی، ۱۳۶۸، ص ۳۲۰).

بنا بر آنچه آمد، رعایت اصول و ارزش‌ها از منظر امیرمؤمنان به معنای سخت‌گیری و در تنگنا قرار دادن مردم نخواهد بود؛ چراکه از منظر ایشان، رفق و مدارای با مردم، خود نیز یکی از اصولی است که یک زمامدار باید رعایت کند. از طرفی، مدارا و نرمش از منظر ایشان باید تا آنجا باشد که در راستای حفظ اصول و ارزش‌ها بوده و به تحکیم پایه‌های نظام اسلامی کمک کند. بنابراین، باید مجرای نرمش از منظر امیرمؤمنان علیه السلام را نه ارزش‌ها و اصول، بلکه در راه‌های وصول و یا تحکیم این اصول دانست. برای تبیین این مطلب، به برخی از نرمش‌ها و مسامحات امیرمؤمنان علیه السلام در برخی از مقاطع حساس زندگی ایشان اشاره می‌شود.

۲-۱-۲) سکوت حکمت‌آمیز: به عنوان نخستین نمونه، می‌توان به سکوت بیست و پنج ساله ایشان و حاشیه‌نشینی طی آن سال‌ها در عرصه سیاسی جامعه اشاره نمود. این خانه‌نشینی در حالی بود که بنا بر شواهد تاریخی، ایشان حکومت بر جامعه اسلامی را حق مسلم خود می‌دانست و از تصاحب‌کنندگان آن به عنوان غاصب یاد می‌کرد: «دیدم خویشتن‌داری در این امر عاقلانه‌تر است. پس صبر کردم، درحالی‌که گویی در دیده‌ام خاشاک و در گلویم استخوان بود. می‌دیدم که میراثم به غارت می‌رود» (نهج البلاغه، ۱۳۵۹ق، خ ۳).

امام علیه السلام به دلیل عدم همراهی مردم و کوتاهی خواص جامعه، در برابر سران سقیفه نرمش نشان دادند؛ چراکه از منظر امیرمؤمنان، حمایت مردمی و مقبولیت حکومت از ناحیه آنان یک اصل بوده و حکومت صرفاً راهی برای

با همان وضع در میان مردم رها کرد. یاران یمنی علی علیه السلام از این اقدام حضرت غضبناک شدند. برخی به نشانه همدردی با نجاشی و اعتراض به علی علیه السلام جبهه‌های خود را از شانه‌هایشان برداشته، روی بدن برهنه نجاشی انداختند. برخی دیگر نزد علی علیه السلام آمده، به آن بزرگوار اعتراض کردند و از ایشان جدا شدند. طارق بن عبدالله نه‌دی که از معترضان به‌شمار می‌آمد، به حضرت گفت: ما فکر نمی‌کردیم نزد والیان عدالت‌پیشه و سرچشمه‌های فضل، جایگاه گناهکاران و فرمانبرداران، اهل تفرقه و جدایی و اتحاد و همراهی، در کیفر مساوی باشند. حضرت بدون هیچ‌گونه پشیمانی و نرمشی ابتدا آیه وَ اِنَّهَا لَكَبِيْرَةٌ اِلَّا عَلٰى الْاَخَاشِعِيْنَ (بقره: ۴۵) را تلاوت کرده و سپس فرمود: ای برادر نه‌دی! آیا غیر از این است که او فردی از مسلمانان بود که حرمتی از حرمت‌های خداوند را هتک نمود و ما حدی را که کفاره هتک حرمتش بود، بر او جاری کرده‌ایم؟! (پس چه اعتراضی؟) ای برادر نه‌دی!

خدای متعال می‌فرماید: «کینه قومی شما را وادار نکند تا عدالت به خرج ندهید؛ عدالت ورزید که آن به پرهیزگاری نزدیک‌تر است» (مائده: ۸) (ثقفی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۶-۳۷۰).

۲-۳-۲) مدارا در عمل: اما یکی دیگر از ابعاد مهم مفهوم نرمش قهرمانانه که از ملازمات هدایت مردم و حکومت بر آنان نیز محسوب می‌گردد، رفق و مداراست. امیرمؤمنان علیه السلام نیز در مقاطع مختلف به این امر توصیه نمودند و رفق و مدارا را عامل موفقیت برشمرده‌اند (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۵۸) و حتی مدارا را یکی از اصول لازم برای یک سیاست‌مداران خوانده‌اند (همان، ج ۱، ص ۳۷۲).

ایشان کارگزاران خود را نیز به این امر توصیه می‌نمودند و از آنان می‌خواستند با مردم مدارا نمایند؛ چنان‌که در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید: «در آنچه تو

نفر از سپاهیان امام علیه السلام را تشکیل می دادند نزد حضرت آمدند و ایشان را مجبور به پذیرش دعوت شامیان کردند و گفتند: «ای علی دعوت این قوم را برای حکمیت کتاب الله بپذیر و آلا تو را می کشیم، همان گونه که عثمان را کشیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۶۴-۳۶۶).

امام علیه السلام در جواب آنان، بر حقانیت خود و همراهی اش با قرآن احتجاج نمود و گوشزد کرد که درخواست شامیان نه از سر ایمان و باور به کتاب خدا، بلکه از روی نیرنگ و دشمنی با قرآن است؛ لکن نصیحت و خیرخواهی امام افاقه نکرد و در نهایت مجبور به اجابت خواسته آنان شد. از این رو، امیرمؤمنان علیه السلام با آنکه معتقد به حکمیت نبود و ادامه جنگ را برای پیشبرد اهداف خود در برابر معاویه برمی گزید، اما با فشار و اصرار بخش عمده ای از سپاه خود تن به این تصمیم داد و حکمیت را پذیرفت (همان).

پرواضح است که پذیرش حکمیت از ناحیه امیرمؤمنان علیه السلام نه از سر ترس و خوف از جان، بلکه برای مصلحتی فراتر از آن بوده است و هنگامی که ایشان نبرد را برای مقابله با معاویه ناکارآمد دانست، از آن صرف نظر نمود. همان گونه که در بالا آمد، پذیرش حکمیت از ناحیه امام با اعمال فشار و تهدید بخش عمده ای از لشکر امام همراه بوده است و این تساهل به مقتضای شرایط و با حداقل صورت ممکن و در راستای حفظ حکومت حقه و مقابله با سوءاستفاده معاویه از تشتت داخلی سپاه اسلام پدید آمد.

عرصه برخورد امام علی علیه السلام با خوارج مملو از نرمش هاست. خوارج از منظر ایشان افرادی نادان بودند که به گمراهی رفته اند. از این رو، امیرمؤمنان علیه السلام ایشان را دشمن اولیه اسلام نمی دانست و به همین دلیل است که درباره آنان توصیه می نمودند: «پس از من با خوارج نجنگید؛ زیرا کسی که در جست و جوی حق بوده و خطا

رسیدن به سعادت است که در صورت مطالبه آن از ناحیه مردم می توان آن را استیفا کرد. در غیر این صورت، تکیه بر این جایگاه می تواند مانعی برای رسیدن به اهداف ارزشی اسلام باشد. به همین جهت نیز ایشان پس از گذشت ۲۵ سال، تنها با اصرار مردم و پس از اتمام حجت بر ایشان، خلافت را پذیرفت:

اگر این حضور حاضران و بیعت کنندگان نبود و حجت بر من تمام نمی شد و چنانچه خداوند از دانشمندان ربانی آگاه، پیمانی سخت نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگر و گرسنگی مظلوم هیچ آرام و قرار نگیرند، بی تأمل رشته این کار را از دست می گذاشتم و پایانش را چون آغازش می انگاشتم و می دیدید که دنیای شما را به چیزی نمی شمارم و پیشیزی ارزش نمی گذارم (همان، خ ۳).

بنابراین، تساهل حداقلی امیرمؤمنان علیه السلام در کناره گیری از حکومت بر مسلمانان که در راستای حفظ نهال نوپای اسلام انجام گرفت، می توان یکی از مصادیق بارز «نرمش قهرمانانه» دانست. بدیهی است در صورتی که شرایط آن دوران، برای ورود امیرمؤمنان به عرصه حکومت مهیا بود، حتی اگر این امر به جنگ و خونریزی می انجامید، امام وارد این عرصه می شدند و تن به این تساهل نمی دادند.

۲-۲-۳) تسامح مصلحت آمیز: یکی دیگر از مصادیق

مهم نرمش قهرمانانه در سیره امیرمؤمنان علیه السلام، مواجهه ایشان با خوارج است که برای نمونه، به برخی از موضع گیری های امام علیه السلام اشاره می نمایم. اولین نرمش امیرمؤمنان علیه السلام در برابر خوارج را می توان در داستان حکمیت دانست که پس از حیلۀ عمرو عاص و بر نیزه کردن قرآن ها، مالک اشتر و تنی چند از یاران باوفای امام خواستار ادامه جنگ تا پیروزی نهایی شدند، ولی اشعث بن قیس و برخی کوتاه نظران که قریب به بیست هزار

نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. نرمش قهرمانانه صرفاً یک تاکتیک و روش است که در حوزه اصول و آرمان‌ها وارد نشده و صرفاً در حوزه اعمال روش‌ها خود را نمایان می‌کند.

۲. با تحقیق در سیره امیرمؤمنان علیه السلام به روشنی برآمد که نرمش قهرمانانه علی‌رغم جدیدالوضع بودنش، مفهومی برآمده از بطن متون اسلامی است.

۳. نحوه اجرا و اعمال این تاکتیک تابع مقتضیات زمان بوده و این مفهوم به تبع شرایط زمانی و مکانی مختلف توسعه و توضیح پیدا می‌کند.

۴. با عنایت به سیره امام علی علیه السلام می‌توان عدم همراهی عمومی مردم یا عدم اقبال نخبگان و یا پیدایش فضای تفرقه در جامعه را از زمینه‌های استفاده از این تاکتیک برشمرد.

۵. عزت‌مداری و ارزش‌مداری دو مبنای اصلی و بنیادین تاکتیک نرمش قهرمانانه است که باید در اجرای آن رعایت شود.

کرده، مانند کسی نیست که باطل را طلب نموده و به آن رسیده است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۵۹ق، خ ۳۶).

و به همین دلیل است که بارها و بارها آنان را نصیحت می‌کرد و حتی پیش از شروع جنگ نهروان نیز به نصایح و مواعظ خود را ادامه می‌داد. بنابراین، نرمش امیرمؤمنان درباره خوارچ در راستای هدایت، ارشاد و پیشبرد اهدافی بوده است که اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به مقابله سخت و خشن با آنان داشته است.

۲-۳-۲) **مماشات مقتدرانه:** اما از دیگر مظاهر و مصادیق نرمش قهرمانانه امیرمؤمنان علیه السلام، برخورد با اصحاب جمل است. آن هنگام که امام علیه السلام از قصد طلحه و زبیر و تبانی آنان برای اقدام نظامی علیه حکومت اطلاع یافت، سپاه و لشکری را به مقابله با آنان گسیل نداشت و با نامه‌نگاری و یادآوری بیعتشان، سعی در بازگرداندن آنان نمود (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۰۱؛ مفید، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۳-۳۱۴؛ نهج‌البلاغه، ۱۳۵۹ق، خ ۱۶۹). اما پس از اقدام عملی آنان علیه نظام اسلامی و لشکرکشی و خون‌ریزی، بدون کوچک‌ترین نرمش، به تقابل با آنان پرداخت. البته حضرت پیش از آغاز کارزار نیز برای اتمام حجت و به امید بازگرداندن آنان به راه حق، مسیر نرمش را در پیش گرفت (ابن‌اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۱۶؛ مفید، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۶).

بنابراین، با تأمل در این مصادیق، روشن گردید که عرصه عملی این مفهوم در منظر امام علیه السلام در شرایط مختلف سیاسی و اجتماعی متفاوت بوده و چنان‌که پیش از این نیز بیان شد، تسامح جاری در روش‌ها و عدول یا تأخیر از آنها، به تناسب شرایط و به حداقل‌ترین شکل ممکن صورت می‌پذیرفته است.

منابع

- امیرکبیر.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
- ، ۱۴۱۶ق، *الجمل*، تصحیح سیدعلی میرشریفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، *شرح پیام امام امیرالمؤمنین علیؑ*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- منقری، نصرین مزاحم، ۱۳۶۴، *وقعه صفین*، ترجمه کریم زمانی، تهران، رسا.
- میرعرب، فرج الله، ۱۳۹۴، «تبيين راهبرد نرمش قهرمانانه در کلام رهبر معظم انقلاب»، *معرفت سیاسی*، سال هفتم، ش ۱، ص ۱۲۷-۱۴۴.
- یعقوبی، ابن واضح، ۱۳۴۱، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی.
- نهج البلاغه**، ۱۳۵۹ق، تحقیق صبحی صالح، چ پنجم، قم، دارالهیجره.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۳۶۷، *شرح نهج البلاغه*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
- ابن اعثم کوفی، احمد، ۱۳۷۲، *الفتوح*، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- پساکنیا تبریزی، عبدالکریم، ۱۳۹۲، «صلح الحسن علیؑ؛ پرشکوه‌ترین نرمش قهرمانانه تاریخ»، *مسلغان*، ش ۱۷۲، ص ۱۰۱-۹۲.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۳۷۸، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۷۵، *الغارات*، ترجمه محمد آیتی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سلیمانی، رضا و دیگران، ۱۳۹۲، «نرمش قهرمانانه در دیپلماسی خارجی از منظر فقه سیاسی»، *مطالعات راهبردی بسیج*، ش ۶۱، ص ۸۸-۶۵.
- شمسینی غیاثوند، حسن و دیگران، ۱۳۹۴، «رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر روش مذاکره و مفهوم نرمش قهرمانانه»، *سیاست*، ش ۳۳، ص ۲۲-۳.
- شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۶۸، *ترجمه نهج البلاغه*، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- صلح جو، علی، ۱۳۸۴، «استراتژی چیست؟»، *امید انقلاب*، ش ۳۶۱، ص ۲۲-۲۴.
- طبری، محمدبن جریر، ۱۳۷۵، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ پنجم، تهران، اساطیر.
- عبداللهی، حامد، ۱۳۹۲، «نرمش قهرمانانه حد فاصل عزت و ذلت: جستاری در سیره ائمه معصومین در برابر جبهه باطل»، *پرسیمان*، ش ۱۳۳، ص ۱۶-۱۷.
- عیسی زاده، ولی الله، ۱۳۸۳، «تاریخچه پیدایش خوارج»، *پاسدار اسلام*، ش ۲۷۷، ص ۲۰-۲۳.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۲ق، *بحارالانوار*، تحقیق سیدجواد علوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- معین، محمد، ۱۳۶۳، *فرهنگ فارسی معین*، چ چهارم، تهران،